

## دیباچه

اگر «حرکت اختیاری و آگاهانه تربیتی در جهت رشد همه جانبه و متعادل خویش» را گام مهم - و بلکه آخرین مرحله و مقصد اصلی - جریان تربیت آدمی به حساب آوریم، به نظر می‌رسد باید هرگونه کوشش متولیان این جریان در راستای تحقق اهداف تربیتی را صرفاً به عنوان مقدمه این حرکت تلقی کرده و به تعبیر فلسفی برای آن نقش اعدادی (و نه ایجابی) قائل شویم.

بر اساس این تحلیل، همه تلاش‌های گسترده و متنوع نظام تربیتی جامعه - شامل همه عوامل دخیل و مؤثر بر فرآیند تربیت رسمی و غیررسمی در خانواده‌ها، مدارس و محیط اجتماع - برای پرورش نسل آینده را بایستی تحت دو عنوان «ایجاد مقتضیات» و «رفع موانع» نسبت به حرکت ارادی و آگاهانه تربیتی برای تحقق اهداف والای تربیتی قرار داد. اکنون با توجه به نقش ضروری و مکمل «نبود موانع» نسبت به «وجود مقتضیات» در سلسله عوامل زمینه ساز پیدایش و دوام هر پدیده، می‌توان بر این نکته مهم تأکید نمود که:

«تمرین‌بخشی تلاش دست‌اندرکاران نظام تربیتی هر جامعه، بر آسیب‌شناسی تربیتی - به مفهوم شناخت و تحلیل موانع جریان تربیت و تبیین چگونگی برخورد مؤثر با این عوامل - متوقف است».

تربیت دینی در مفهوم خاص آن - یعنی «مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متربیان به باورها، هنجارها و ارزش‌ها، احکام و دستورات، اعمال و مناسک دینی» - نیز به دلیل همین نکته برای تحقق اهداف

والای خود نیازمند بحث آسیب‌شناسی است؛ علاوه بر آنکه به لحاظ اهمیت، اولویت و ضرورت غیر قابل انکار تربیت دینی در نظام تربیتی جامعه اسلامی، این بحث در عرصه تحقیقات تربیت اسلامی نیز جایگاهی ویژه داشته که عنایت خاص به آن را در مجموعه مطالعات تربیت دینی از دیدگاه اسلام اقتضا می‌کند.

همچنین باور به حقانیت و اصالت اهداف و محتوای تربیت دینی (در مقایسه با سایر ابعاد تربیت) و توجه به آمادگی متربیان برای پذیرش باورهای دینی و گرایش به آنها (بر اساس نظریه فطرت) ما را وامی‌دارد که در تلاش برای افزایش ثمر بخشی فرآیند تربیت دینی و نیز تحلیل ناکارآمدی نسبی آن، بیش از هر موضوعی بر شناخت و تحلیل موانع این فرآیند و یافتن راهکارهای برخورد مناسب با آنها متمرکز شویم.

مرکز مطالعات تربیت اسلامی با ملاحظه نکات فوق و دیگر وجوه ضرورت بحث آسیب‌شناسی تربیت دینی، ششمین مجلد از کتاب تربیت اسلامی را به این موضوع اختصاص داده و پیشاپیش بر این نکته تأکید دارد که نه آنچه در این مجموعه آمده است همه مباحث قابل طرح در این موضوع مهم را در بر می‌گیرد و نه آنچه عرضه شده است بی‌کم و کاست بوده و جای هیچ نقد و ایرادی ندارد؛ لکن آنچه گفتنی است و موجب سپاس ییحد به درگاه ایزد متان، اینکه به هر روی این مجموعه نخستین اثری است که در باب آسیب‌شناسی تربیت دینی عرضه می‌گردد که در آن سعی شده تا علاوه بر مباحث نظری، موضوعات کاربردی و مرتبط با وضعیت تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور نیز مورد عنایت قرار گیرد.

بدیهی است هدف اصلی از تألیف و انتشار این اثر گشودن باب بحث و گفتگوی عالمانه و انتقادی درباره ابعاد گوناگون موضوع آسیب‌شناسی تربیت دینی و مشارکت و هم‌اندیشی همه صاحب‌نظران و محققان تربیتی برای یافتن پاسخ‌هایی مناسب و کاربردی در این موضوع به غایت مهم و حساس برای نظام آموزش و پرورش کشور می‌باشد.

جای بسی خوشوقتی است که مسؤولان نظام آموزش و پرورش نیز با همین انگیزه در سالجاری اقدام به برگزاری همایش «آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش» می‌نمایند؛ که امید است مشارکت فعال همه علاقمندان به ارتقاء و گسترش تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش را بهمراه داشته و زمینه تحقق اهداف ارزشمند این همایش را فراهم آورد و تألیف و انتشار مجموعه حاضر نیز از سوی مرکز مطالعات تربیت اسلامی گامی مؤثر در این راستا به شمار آید.

اینک به منظور آشنایی اجمالی خوانندگان محترم با مطالب مجموعه حاضر، مروری گذرا بر مقالات ارائه شده نموده و به برخی نکات قابل تذکر و تأمل درباره آنها اشاره می‌کنیم:

عنوان مقاله نخست این مجموعه «آسیب و سلامت در تربیت دینی» است که کوشیده است تا آسیب‌های احتمالی در جریان تربیت دینی را روشن ساخته و راهکار پرهیز از فرو افتادن در این آسیب‌ها را روشن سازد؛ این راهکار، نقطه اعتدال در تربیت دینی است که بیانگر حالت مطلوب و سلامت این فرآیند است و عدم رعایت آن، در حقیقت، گام نهادن در مسیرهای افراطی یا تفریطی است؛ بدین ترتیب آسیب و سلامت در ده محور یا طیف به تصویر کشیده شده که بخشی از آنها مباحث نظری (مربوط به مقام نظر) و برخی نکات عملی (مربوط به مقام عمل) است، زیرا تربیت دینی علاوه بر آنکه فعالیت‌های عملی را در بر می‌گیرد، ارتباط نظری و فکری با متریبان را نیز پوشش می‌دهد.

نویسنده مقاله «دین دهمی یا دین یابی» بر این باور است که «چون ایمان خصوصی‌ترین و درونی‌ترین کشف انسان است که با نوعی جذبه و شور عاطفی همراه است و در حقیقت، نوعی مواجهه شهودی با حقیقت مطلق یا مطلق حقیقت است که از آن در فرهنگ دینی به خدا تعبیر می‌شود، منشاء تربیت دینی نیز بایستی فرآیندی خود انگیزه و فطری باشد و نه دگر انگیزه و بیرونی، و این چیزی است که صرفاً با آموزش و ارائه اطلاعات بیرونی حاصل نمی‌آید و این امور تنها زمینه‌ساز می‌باشد. بنابراین «تکیه کردن صرف بر آموزش دینی خطا و آسیب‌زا است». مقاله «شریعت، قانون و جوانان» با هدف بحث پیرامون برخی عوامل گریز جوانان از عمل دینی نوشته شده است. در بخش نخست این مقاله، نویسنده اجبار نوجوانان و جوانان به انجام تکالیف فردی از سوی نهادهای حکومتی مانند مدارس را عاملی در پیدایش روحیه گریز از عمل دینی می‌داند و به استناد دلایل شرعی نادرستی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. که در صورت قبول این مطلب و توافق در تعیین مصادیق اجبار بر عمل دینی، اکنون باید مدارس ما از لحاظ وجود عامل اجبار بر تکالیف دینی به عنوان رویکردی شایع در تربیت دینی، مورد بررسی جامعه شناختی دقیق قرار گیرند. در بخش دوم، نویسنده تبلیغات دینی دولتی را عامل دیگری در پیدایش این روحیه می‌داند و از اینرو پیشنهاد می‌دهد که تبلیغات دینی بایستی به عهده نهادهای دینی غیر دولتی مانند حوزه‌های علمیه گذاشته شود. لیکن به نظر می‌رسد با توجه به آنکه «تربیت دینی» بطور طبیعی شامل تبیین و ترویج ارزش‌های دینی است که با «تبلیغات دینی» همپوشی بسیار دارد و ضمن تأکید بر مشارکت بیشتر

نهادهای دینی غیر دولتی در تربیت دینی، باید وجه سلبی پیشنهاد مزبور مبنی بر امتناع دولت اسلامی (و نهاد آموزش و پرورش رسمی) از مداخله در این جریان مورد مذاقه بیشتر صاحب‌نظران قرار گیرد.

مقاله «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی» در پی یافتن پاسخی برای این سؤال مهم و اساسی است که «آیا آموزش و پرورش رسمی با توجه به ماهیت، ساختار و پیشینه آن برای تربیت دینی مناسب است؟» نویسندگان، با پیش فرض اینکه درس دینی نماینده عمده برنامه درسی تربیت دینی در مدارس است به بررسی این تناسب پرداخته و سپس این موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند که اساساً با دانش برنامه‌ریزی درسی و به ویژه با الگوی موضوعات مجزا، تا چه حد می‌توان به اهداف تربیت دینی دست یافت. بخش پایانی این نوشتار اشاره به نتایج یک مطالعه موردی است که در راستای موضوع مورد بحث انجام گرفته است. بدیهی است یافتن پاسخی اطمینان بخش به پرسش حساس فوق، به ویژه با توجه به تأکید نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بر تربیت دینی دانش‌آموزان و با ملاحظه امکان بهره‌مندی از دیگر دروس رسمی و نیز فعالیت‌های پرورشی مدارس - به عنوان گزینه‌ای مکمل - برای تحقق اهداف تربیت دینی، نیازمند تأمل و پژوهش بیشتر می‌باشد.

از جمله روش‌های مؤثر تربیت دینی، روش اسوه‌پردازی است که براساس آن ترسیم از الگوهای ناب اسلامی - متجلی در شخصیت معصومین علیهم‌السلام - به متریان عرضه می‌شود، اما باید توجه داشت که اگر این ترسیم به گونه‌ای نادرست و بدون لحاظ روحیات مخاطبین و قواعد اسوه‌پردازی انجام گیرد، نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت. مقاله «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی» پاره‌ای از این ترسیم‌های ناصواب را ارایه می‌کند. امید است ژرف‌اندیشی محققان تربیت اسلامی به ویژه با تأمل آسیب‌شناختی در عنصر مهم روش‌ها در عرصه تربیت دینی، تکمیل‌کننده مباحث این مقاله باشد.

در مقاله «آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی علیه‌السلام» نویسنده در جستجوی اهم عوامل دین‌گریزی جوانان در کلام و سیره امام علی علیه‌السلام است و اموری همچون سهل‌انگاری والدین، فقر فرهنگی، رفقای بد، فقر و غنای مفرط، سختی ازدواج را از جمله این عوامل معرفی می‌کند و در پایان راهکارهایی در جهت رفع آنها ارایه می‌کند. «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش» عنوان مقاله دیگر این مجموعه است که نویسنده به

عوامل بیرونی (غیر مرتبط با شخصیت جوانان) دارای نقش مؤثر در گریز جوانان از عمل دینی اشاره می‌کند و آنها را در دو دسته عوامل خارج از نظام آموزش و پرورش و عوامل مرتبط با نهاد آموزش و پرورش تقسیم می‌کند و در هر مورد پاره‌ای از این عوامل را به اختصار توضیح می‌دهد.

بدون تردید برای مقابله با عوامل دین‌گریزی جوانان رعایت اصولی ضروری است، نویسنده مقاله «درآمدی بر اصول پیشگیری از آسیب‌مندی تربیت دینی» دوازده اصل را در این راستا بیان می‌دارد که از جمله آنها می‌توان به «تقدم ترغیب بر تخویف»، «استفاده از روش‌های غیر مستقیم»، «عدم تحمیل پیام به متری»، «تکیه بر زیبایی‌های دین»، «تأکید بر تفهیم و تحلیل»، «توجه به فصاحت و بلاغت»، «تقدم ارتباط عاطفی بر ارتباط خشک و دستوری» اشاره کرد.

اقدام ارزشمند گروه دینی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مبنی بر بازنگری برنامه درسی تعلیمات دینی دوره ابتدایی و متوسطه به تهیه و تصویب «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی» در این دو دوره انجامیده است که از این پس مبنای تألیف کتب درسی و سایر مؤلفه‌های برنامه درسی دینی خواهد بود.

نظر به اهمیت نقد و ارزیابی این دو مجموعه، نویسندگان دو مقاله «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوته نقد» و «ارزیابی راهنمای برنامه درسی دینی دوره ابتدایی» کوشیده‌اند تا نقاط ضعف و قوت آنها را بررسی و پیشنهادهایی در جهت بهبود، ارایه دهند. البته بنا بر شیوه متداول در اینگونه مباحث، صبغه اصلی این دو نوشتار، تلاش در شناسایی کاستی‌های موجود در این دو راهنما بوده است که صد البته به معنی نادیده گرفتن نقاط مثبت و یا کم توجهی به تلاش ارزشمند طراحان این دو مجموعه نمی‌باشد. امید است نقد و بررسی منصفانه این دو سند مکتوب و مصوب در عرصه برنامه رسمی آموزشی دینی مدارس توسط دیگر محققان، زمینه بهبود کیفیت آنها و در نتیجه تهیه مطلوب مؤلفه‌های مهم برنامه درسی دینی را فراهم آورد.

در این مجلد از کتاب «تربیت اسلامی» از دیدگاه‌های تربیت پژوهان دیگر کشورها درباره آسیب‌های تربیت دینی نیز بهره جسته‌ایم. مقاله «نگاهی به مهمترین معضلات تربیت دینی و طرح راهکارهایی برای حل آنها»، ترجمه بخشی از کتاب «تعلیم‌الدین الاسلامی بین النظرية والتطبيق» نوشته «حسن شحاته» است که نکات مهم و خواندنی را

در این خصوص عرضه می‌دارد. مقاله «موانع تربیت اسلامی» نوشته «عبدالغنی عبود» نیز انعکاس دهنده نظرات یکی از تربیت‌پژوهان مسلمان می‌باشد که در یکی از همایش‌های تربیت اسلامی رایه شده است.

آخرین مقاله از این مجموعه «بررسی و نقد اجمالی مهم‌ترین منابع موجود در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی» است که امیدواریم مورد توجه خوانندگان علاقمند به پژوهش در این خصوص قرار گیرد.

در پایان این دیباچه یادآوری نکاتی مهم را ضروری می‌دانیم:

۱. از همه استادان، فضلا، طلاب، دانشجویان و مسؤولان نهادهایی که این مرکز را به جهت انتشار «کتاب تربیت اسلامی» مورد لطف و تشویق قرار داده و احیاناً از پیشنهادات سازنده خود بهره‌مند ساخته‌اند تشکر می‌کنیم. بدون شک انتقادات و راهنمایی‌های آنان هدایایی گرانقدر و مورد توجه برای مسئولین مرکز می‌باشد.

۲. از آنجا که برخی مقالات «کتاب تربیت اسلامی» و بخشی از مطالب دیگر کتب مرکز در برخی از نشریات نقل شده و خوشبختانه گاه مورد نقد نیز قرار گرفته، لیکن در مواردی یا اصولاً از منبع و مأخذ آن هیچ‌ذکری نشده و یا بطور ناقص یاد شده است، همگان و بویژه علاقمندان به ترویج فرهنگ و تربیت اسلامی را به رعایت اخلاق نشر و آداب علمی مرسوم و مقبول در این زمینه فرا می‌خوانیم.

۳. و بالاخره بایستی این نکته بسیار مهم را خاطر نشان سازیم که «کتاب تربیت اسلامی»، مجموعه مقالات علمی - تخصصی است که می‌کوشد تا فضای طرح و نقد عالمانه‌ای را در باب مسائل و موضوعات مهم تربیتی و فرهنگی بویژه از دیدگاه اسلامی بگشاید. از این رو، مقالات رایه شده، لزوماً بیانگر نقطه نظرات رسمی وزارت آموزش و پرورش، مرکز مطالعات تربیت اسلامی و مؤلفان این مجموعه نمی‌باشند لیکن در راستای هدف یاد شده طرح آنها مناسب دیده شده است.

امید آنکه با عنایت و توجه بیشتر اساتید محترم حوزه و دانشگاه و مشارکت فعال تربیت‌پژوهان گرامی مجموعه‌های آتی با کیفیت بسیار بهتری فراهم آید. انشاءالله

مرکز مطالعات تربیت اسلامی

تابستان ۸۰